

## نقش اقشار گوناگون اجتماعی در روند سیاسییزه شدن ملت تورکمن (نگاهی جامعه شناسانه به عملکرد طیف های گوناگون جامعه ما)

مقدمه

درباره چگونگی شکلگیری و تبیین روند سیاسی- اجتماعی جامعه تورکمن تحقیق همه جانبه و فراگیری صورت نگرفته و این نقصان مشکل بزرگی را در جهت یابی سیر جنبش های آزادیبخش ملی بوجود می آورد. نوشته های جسته گریخته در این باره نمی تواند رهنمون شایسته ای در تشریح و آنالیز سیر و پروسه جنبش ملی- دمکراتیک ملت ما باشد. در این مقاله سعی می شود که به نقش هریک از اقشار کلیدی نظیر روشنفکران، بورژوازی ملی، روحانیون، زنان... در پروسه انقلابی ملت تورکمن در تورکمنستان جنوبی پرداخته میشود، تا به پرداخت کنندگان جامعه و جامعه شناسان ما اندک کمکی شده باشد.

\*\*\*\*\*

پروسه شکلگیری سیاسی ملت تورکمن از نوع مدرن آن در اواخر قرن هیجده و اوائل قرن نوزده میلادی تسریع یافت. پس از فروپاشی امپراطوری شکوهمند و وسیع سالتیق ها/ سلجوق ها و هجوم ویرانگر مغولان و تیموریان بر سرزمین تورکمنها، ملت ما مجبور شد که برای حفظ تبار ملی خویش بصورت پراکنده زندگی نمایند که خود موجب بوجود آمدن طایفه ها و تیره های متعدد در بین ملت واحد ما متشاء شان به شخص واحدی بنام اوغوز خان می رسید گردید. تشدد و پراکندگی ملت واحد تورکمن و زندگی آنان زیر مجموعه ای بنام طایفه، تیره، اوروغ... از یکسو روند شکلگیری ملی به معنای جدید و مدرن آنرا به تأخیر می انداخت، از سوی دیگر این امر دست غارتگران و استعمارگران پطربورگ و یاغیان تهران را برای سرکوبی و مطیع ساختن ملت ما هرچه بازتر میکرد.

در اواسط قرن هیجدهم میلادی روند شکلگیری ملی در بین جامعه روشنفکری تورکمن حدت بیشتری بخود گرفت که مضامین آن در اشعار دولت مأمت آزادی و ماغتیمغولی صورت عینی بخود گرفت. ماغتیمغولی که بحق پدر روحی ملت تورکمن محسوب می شود در بند بند اشعار خویش تشکیل یک دولت ملی را بیان نموده، دفاع جانانه از سرزمین پدری را با نیروی اتحاد و یگانگی ملی مطرح می کند. چاودیر خان سردار نیز در راستای تشکیل دولت ملی به آب و آتش می زند. تاراجگران شمال و جنوب هر از گاهی سرزمین ملی مان را به آتش و خون می کشیدند. از ساحل خزر تا سرحد افغانستان، از جلگه سرسبز اترک- گورگن تا کویر غاراغوم و خیوه، زیر سم اسبان یاغیان می سوخت. سرداران هر یک از این نواحی بنابه توانائی شان در دفع این ستم ستمکاران برمی آمدند ولی نیروی کافی که بتواند سرزمینی واحد و ملتی همگون را زیر یک پرچم و زیر یک ایده ملی درآورد هنوز شکل نگرفته بود. در این دوره در ساحل خزر قیات خان در راستای دفع هجوم قشون متجاوز قاجار از هر وسیله ای، حتی دیپلوماسی نزدیکی با روسها استفاده میکرد. در ناحیه اترک- گورگن سرداران آتابای و جافاریای گاهی متحدانه، گاهی بصورت پراکنده با حاکمان استرآباد و خوانین کرد شادلوئی بجنورد در نبردی مرگ و زندگی بودند. در ناحیه آحال نوربردی خان با متحد کردن یوموت، گوکلنگ و تکه توانست حمله تجاوزکارانه جعفرقلی خان کرد شادلو که از طرف ناصرالدین شاه قصد اشغال قارری غالا را داشت، دفع نموده، ضربه ای جانانه ای به قشون اشغالگر وارد نمود. قاوشیت خان نیز با نیروی متحد تکه های ماری و سالیر و ساریق توانست لشکر اعزامی ناصرالدین شاه به سرکردگی حشمت الدوله را داغون نماید، طوریکه شاه از خشم و غیظ به وی لقب «حشمت الدوله نجس» را داد. و باز این نیروی منسجم تورکمن بود که در نبرد سرخس ضربه ای جانانه نوش جان سربازان ایرانی

وارد نمود. تورکمنهای خپوه نیز دمار از روزگار خان ازبک خپوه در می آوردند و سر بریده عمال دست نشاندۀ وی برایش می فرستادند.

با وجود این همه نبردهای خونین و زندگی پر از تهدید و خوف، در تمامی این مراحل باز هم ایده تشکیل دولت ملی زیر یک پرچم واحد ملی به مرحله عمل نزدیک نمی شد. و این زنگ خطری بزرگ و جدی برای کل جامعه تورکمن بود، چرا که اندکی بعد در اواخر قرن نوزدهم، ابتدا تورکمنهای خپوه در نبرد خونین «غزوات» بسال 1873 و سپس تورکمنهای آخال در جنگ «گوک دپه» از دم تیغ قازاقان روسی گذشتند و سرزمین آنها به اشغال پتربورگ در آمد. تقسیم سرزمین تورکمن توسط روس و دست نشاندۀ بریتانیا در ایران یعنی دولت قاجار در نهم دسامبر 1881 ضربه نهایی را به ایده اتحاد ملی توسط ماغتیمغولی مطرح شده بود، وارد ساخت. سیر وقایع بعدی مرتباً به زیان ایده وحدت خدمت کرد و این پروسه تا به امروز با حدت و شدت کم و بیش ادامه دارد.

### الف: نقش روشنفکران



#### گروهی از روشنفکران تورکمن که در سالهای مختلف نقش عمده ای در آگاهی ملت خویش ایفا نمودند

با گسترش انقلاب بلشویکی در روسیه و تأثیر آن بر قفقاز و آذربایجان و نیز روند جنبش ناسیونالیستی در شرق دریای خزر و در سرزمین تورکمن توسط عزیز خان ها، جنید خان ها نخستین جرقه های انقلاب آزادیبخش زده شد و نیز اولین هسته های جنبش ملی در میان تورکمنهای جنوبی پس از سرکوبی وحشیانه «جنبش جمهوریخواهی» برهبری عثمان آخون توسط افرادی چون حاجی خان اوغوزی، قوربان محمد سیوری، آناقلیچ بابایی و دیگر تحصیلکردگان مدارس عالی تهران شکل گرفت. حتی اعلامیه هایی در حمایت از جنبش خودمختاری ملی تهیه شد، که بعداً توسط مأمورین امنیتی رضاشاه ضبط گردید و سران جنبش به زندانهای طویل المدت محکوم گردیدند که تنها پس از سقوط رضاشاه آزاد شدند. برخی از این روشنفکران چون تداوم جنبش را در داخل ناممکن دیدند، به خودسازی اندیشه های انقلابی خویش در خارج از کشور پرداختند. بدین ترتیب نخستین گروه از آزادمندان جامعه ما با مهاجرت به تورکیه و برخاستن به شمالی به پربار کردن تجربه های ملی خویش دست یازیدند. از این گروه می توان احمد گورگنلی، احمد غاراداغلی، حاجی حان (نورگلدی) اوغوزی، باباجان تورانی... را نام برد.

نقش روشنفکران ملی را در جریان حزب توده و بعد از آن نیز بعینه مشهود است. در این ایام روشنفکران تورکمن با هواداری و حمایت از جنبش آذربایجان و کردستان در واقع خواست عینی ملت خویش را در برقراری نظام خودمختاری ملی آشکارا بیان نمودند. غایب بهلکه و ساپار انصاری در سخنرانی هایشان از خواست ملی تورکمنها مبنی بر تعیین سرنوشت خویش بدست خود دفاع میکردند. حتی مرحوم پرویز ایرانپور در بندرتورکمن با ایجاد هسته های مخفی حزب به همراه مرحوم نازدوردی نوشین خواست خودمختاری را تبلیغ میکردند (از خاطرات ی. کر)

روشنفکران تورکمن در این راه کم زجر و شکنجه ندیدند. در سال 1337 مرحوم ارازمحمد تکه ترور شد، مرحوم نورمحمد قرینجیک در زندان ستمشاهی پس از تحمل شکنجه های وحشیانه در فردای آزادیش درگذشت. اراز قیادی و دیگر روشنفکران ملی مدتهای مدیدی را در زندان گذراندند و برخی نیز با گذاشتن عزیزان خویش راهی مهاجرت شدند. در دوران سرکوبی وحشیانه ساواک محمدرضا شاهی، باز این روشنفکران تورکمن بودند که با تشکیل محافل ادبی و فرهنگی...نگهدار مشعل ایده های ملی بودند و این شعله مقدس را تا انقلاب بهمن فروزان داشتند. پس از سقوط رژیم پهلوی روشنفکران ملت ما با برپائی مراسم گوناگون و جمع شدن در تشکلهای ملی سعی در گسترش آگاهی ملی در بین ملت تورکمن شدند که این اقدام انقلابی آنها با حمله وحشیانه پاسداران ظلم و بی داد به خاموشی گرایند. اینک برخی از نیک اندیشان تورکمن در تجمع های ادبی و فرهنگی به این وظیفه مقدس و ملی خویش ادامه می دهند که در بیداری و پایداری فرهنگ ملی مثمر ثمر است که این نیز به نوبه خویش خدمتی ارجمند محسوب می شود. شایان ذکر است که آنهایی که بنام ملت تورکمن بر کرسی مجلس اسلامی تکیه زدند و می زنند نیز متأسفانه هیچگونه اعتراضی به بیدادگریهای حکام منطقه نمی کنند.

### ب: نقش روحانیون

جامعه تورکمن در قیاس با همسایگانش جامعه ای با بافت شدید مذهبی نیست. چرا که صوفیزیم رشد یافته در آسیای مرکزی و صوفیان برجسته ای چون خوجه احمد یسوی و خوجه بهاءالدین نقشبند بخارانی در ترکیب دین اسلام و آداب و سنن ملی تورکان تلاش نموده، نوعی تعدیل مذهبی را رواج دادند. در مدرسه های دینی علاوه بر فقیه اسلامی دیوان شاعرانی چون نوایی، ماغتمغولی، فضولی... تدریس میشد. بطور خلاصه می توان گفت تا اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم مذهب و روحانیون دینی تأثیر آنچنانی در مسائل سیاسی نداشتند. ولی با اوجگیری جنبش های ضد روسی در تورکیستان و همچنین فشار شدید بلشویکها علیه روحانیون و قلع و قمع دینداران و تخریب مساجد، موج مبارزه دین علیه آنچه که کفر نامیده میشد حدت بیشتری یافت و در این راستا علمای دینی در رأس مبارزه ضد استعماری قرار گرفتند. که از برجسته ترین افراد می توان قوربان مراد ایشان در آحال، ملا علی دانشمند (معروف به دالیشمان آتا) در قزیل اترک را نام برد. و این موج مبارزه تا دهه اول قرن بیستم ادامه یافت.

در سرزمین اترک- گورگن، روحانیون تورکمن برای کسب مدارج عالی تحصیل دینی عازم خیوه و بخارا میشدند. آنان در این مناطق شاهد مبارزه روحانیون علیه روسها بودند. این عده از روحانیون تورکمن در بازگشت به زادگاه، تجربیات مبارزاتی تورکیستانی ها را با خود آورده در بین مردم ترویج می دادند که این نوع تبلیغ و ترویج در دوران مبارزه جمهوریخواهی برهبری عثمان اخون بخوبی نقش خویش را ایفا نمود.

در دوران انقلاب مشروطه در ایران روحانیونی چون آناجان آخون یارالی، رجب آخون صیادی (قرینجیک)، آوغان قاضی و عثمان آخون (قوینلی کر) نقش برجسته ای در روشنگری جامعه تورکمن داشتند. که از این گروه آناجان آخون در دوره دوم قانونگزاری و آوغان قاضی در دوره سوم به مجلس راه یافتند. متأسفانه درباره شرح احوال آوغان قاضی اطلاعات دقیقی در دست نداریم.



رجب آخون

عثمان آخون

شایان ذکر است که ما درباره نقش روحانیون در جنبش ملی تورکمنها در سالهای 1925-1916 تحقیق کافی بعمل نیاوردیم. در آن دوره بر سر ادامه نبرد یا تسلیم بین روحانیونی که در رأس امور قرار گرفته بودند اختلاف نظر داشت. بنابه اطلاعات محقق روس بریوزکین از شاهدان عینی جنبش جمهوریخواهی تورکمنستان جنوبی، رجب آخون بخاطر تجارت با شهرهای فارس نشین و مراده با آنها، در نهایت، خواهان پایان بخشیدن هرچه سریعتر به "غانله" تورکمنها بود ولی گروهی که خواهان ادامه نبرد بودند همانند عثمان آخون بشدت تمام علیه نیروهای متجاوز و قشون اعزامی تهران ایستادگی میکردند ولی در سالهای اواخر جنبش بخصوص از اواسط سال 1925 بنابه نوشته مورخ تورکمن همت آتایف، عثمان آخون نیز نقش دوگانه ای در جنبش ایفا میکرد. و این امر در شکست مبارزه عادلانه تورکمنها در برابر قشون ایران نقش تعیین کننده داشت.

دوره دیگر مبارزات ملت تورکمن در راستای تعیین سرنوشت خویش یعنی در فاصله سالهای 1947-1940 نیز برخی از روحانیون نقش مثبت و منفی ایفا کردند که شاخصترین آنها از کومیش دپه ولجان آخون وافی (قرینجیک) و محمد آخون گرگانی (داز) از عطا آباد می باشد.



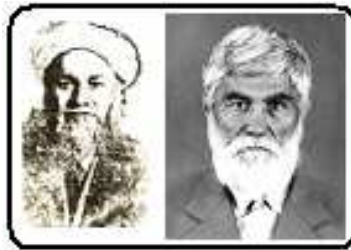
محمد آخون

ولجان آخون

محمد آخون که در دوران سرکوبی جنبش آنناگلدی آج و قیامیون آلطین توقماق همراه با ملاحسین نایب نیازی که بخدمت ژاندارمری رضاشاه در آمده بود نقشی ایفا نموده بود، بعدها در ازای این خدمت خویش یازده بار به نمایندگی از طرف تورکمنها در مجلس شورایی کرسی وکالت را اشغال نمود. بنابه گفته های سرهنگ سپار خطیبی، در اواخر سلطنت رضاشاه گروهی از دانشجویان تورکمن مدارس عالی و نظامی تهران که علیه رژیم شاه فعالیت میکردند و خواهان برکناری محمد آخون بودند، توسط این روحانی به وزارت کشور معرفی می شوند که سبب دستگیری آنان میشود. اما ولجان آخون از همان ابتدا با نیروهای مترقی و انقلابی همکاری می کند. اعلامیه های وی درباره دعوت از مردم تورکمن برای احقاق حقوق از دست رفته شان، علیه مظالم مأمورین ستمشاهی و حتی علیه محمد آخون خود گویای مردمی بودن این روحانی بود که بالاخره همراه با سران حزب تورده در گنبدقابوس همچون غائب بهلکه دستگیر و مدتی را در زندان ساری سپری می کند.

در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت و قیام دکتر محمد مصدق روحانیونی چون عبدالقادر آخون داغستانی در ناحیه گوللی داغ تورکمنها را به مبارزه فراخوانده، اعلامیه هایی جهت مقاومت مردم علیه ژاندارمها صادر می کند و در تهران با آیت الله کاشانی ملاقات نموده، از غارت اراضی مزروعی تورکمنها توسط غاصبان اداره املاک بوی شکایت می کند. با کوشش دیگر روحانیون آگاه این منطقه در راستای اصلاح مسائل اجتماعی نظیر مبارزه علیه اعتیاد و گرانی شیربهای دختران اقداماتی انجام می دهند که ذکر نام و اقدامات آنها از حوصله این مقاله خارج است.

پس از سقوط رژیم شاه و ایجاد حکومت شیعه در ایران جنبش عادلانه ملت تورکمن وارد مرحله مهم و تأثیرگذاری می شود که با ایجاد نهادهای سیاسی و مردمی خودجوش نظیر "کانون فرهنگی و سیاسی خلق تورکمن" و "ستاد مرکزی شوراها" به اوج خود می رسد. در این فاز از مبارزات ملی ملتمان برخی از روحانیون انقلابی چون ولی محمد آخون ارزانش در دفاع از خواسته های بحق ملت خویش لحظه ای از مبارزه نایستادند و برخی از روحانیون همچون آنناقلیچ آخون نقشبندی و آخوند قجقی در کنار نیروهای سرکوبگر قرار گرفتند. که بررسی چند و چون این وقایع خود بحثی مفصل می طلبد.



نقشبندی

ارزانش

در این روزهای حساس و سرنوشت ساز امروزی که ملت تورکمن تحت شدیدترین ظلم و ستم قرار دارند، ماهیگیران شان بدون ترحم کشته می شوند، زمینهایشان غصب می شود، مواد افیونی وارداتی رژیم بی داد میکند، سیل مهاجرت بیگانگان همچون مور و ملخ ادامه دارد، نام شهرها و آبادی هایشان فارسیسزه می شود... متأسفانه صدای اعتراضی از سوی روحانیون بگوش نمی رسد.

### ج: نقش بورژوازی ملی

بنابه گواهی تاریخ و مشاهدات عینی سیاحان اروپایی که در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیستم از سرزمین تورکمنها دیدار کردند، تاجران تورکمن در داد و ستد بازرگانی با ملل همسایه بسیار فعال بودند. بازرگانان تورکمن در باکو، آستراخان، انزلی دارای مراکز تجاری بوده و بیزنس خویش را با امانتداری و صداقت پیش میبردند. بنابه نوشته های سیاح روس ملگونوف، دهها تن از بازرگانان تورکمن در سواحل خزر دارای چاههای نفت بوده که گل نفت را به همسایگان صادر و از آنجا کالای مورد نیاز خود را وارد میکردند. تورکمنها در تجارت ماهی، خاویار، فرآورده های دامی و پوست، قالی و گلیم... بسیار مهارت بخرج میدادند. کومیش دپه از مرکز مهم تجاری تورکمنها بشمار میرفت. تاجران مشهوری چون آنا حاجی دارای انبارهای بزرگ کالاهای صادراتی بودند. خوزینی ها نیز در تجارت شهره عام بودند. حوجاینن بمعنی ارباب است، که این لغت بصورت خوزین وارد زبان روسی نیز شده است. در همین کومیش دپه نخستین بار آسیابهای برقی راه اندازی شد و منازل چراغانی شد. در این امر مهم "زاودی" ها نقش بزرگی ایفا کردند. (زاود در زبان روسی معنای کارخانه را میدهد) و این نمایانگر رشد صنعت در این منطقه بود. فامیل یکی از سرمایه داران تورکمن شمالی است. شمال در اصطلاح عامیانه به تورکمنیستان شمالی اطلاق میشود. یعنی تا بسته شدن مرز ایران- شوروی،

بازرگانان هر دو طرف مرز براحتی مراوده میکردند. در حالیکه همسایگان تورکمنها- روستائیان ولایتی در ابتدائی ترین مرحله رشد صنعتی بودند، تکنسین های ماهر تورکمن حتی تا این اواخر با کمباین هایشان گندم و جو آنها را درو میکردند. بنابه نوشته جامعه شناس ایرانی هوشنگ پورکریم، پیشتر از دیگر همسایگانشان، تورکمنهای کومیش دپه به سبک اروپائیان کت و شلوار می پوشیدند.

پس از یورش وحشیانه حکومت مرکزی ایران به سرزمین تورکمن و اشغال آن توسط ژنرالهای رضاخان، بنابه اظهارات شاهدان، اسناد تاریخی بازمانده از خود حکومت، در تمامی سرزمین تورکمن حکومت نظامی برقرار شده، حلقه محاصره شدید اقتصادی تنگتر نمودند. حاکمان نظامی تنها به عوامل خودی اجازه تجارت و بازرگانی را میدادند. پای تورکمنها را از بازرگانی دریائی قطع و مقررات سختی را علیه دریانوردان تورکمن اعمال کردند. بویژه با بسته شدن سرحد شمالی، مراوده تاجران تورکمن با خیوه، باکو و آستراخان قطع گردید. این امر ضربه ای سنگین به رشد بورژوازی تورکمن در دهه های بیستم قرن گذشته وارد ساخت که با ایجاد بندرشاه (بندرتورکمن فعلی) و نرساندن خط آهن به کومیش دپه، این شهر در حال رشد، به مرگی تدریجی محکوم گردید که عوارض آنرا امروزه بخوبی شاهدیم.

در آستانه جنگ جهانی دوم و ورود ارتش سرخ شوروی به شمال ایران منجمله تورکمنها، برخی از بازرگانان تورکمن در ارتباط با ارتش سرخ و تأمین آذوقه برای سالداتها و خرید شکر وارداتی از شوروی توانستند ثروتی بیادوزند که از میان آنها ولی محمد (محمدی) را برشمرد. بنابه اظهارات کنسول وقت شوروی در گرگان، نویسنده و دیپلمات مشهور تورکمنستان قلیچ قلی یف در خاطرات خود بنام "راه طی شده- سوکولن یوللار- مندرج در نشریه یاشلیق سال 89 وی نخستین بار یخچال نفتی ساخت سوند را در منزل ولی محمد می بیند. پس از اتمام جنگ جهانی دوم اشخاصی چون آرازجان شمالی نخستین بار کارخانه هایی در منطقه ایجاد کرده، در گسترش صنعت نقش بسزائی ایفا کردند و بتدیرج کازخانجات پنبه پاک کنی، کارخانه آرد و روغن کشتی در شهرهای مختلف تورکمنستان جنوبی راه اندازی شد. که تمامی آنها بهمت خود بورژوازی تورکمن برپا گشت. بنابه اسناد محرمانه شهربانی در سالهای 1330، حکومت تهران در گسترش صنایع در میان تورکمنها کارشکنی میکرد. یکبار شمالی را دستگیر میکنند، بار دیگر سهمیه گندم مورد نیاز کارخانه ایشان را قطع میکنند که بیان تمامی آنها از حوصله این مقاله خارج است.

گزارش های محرمانه شهربانی  
بعد حائری زاده که نزد مکی و رحیمیان<sup>۶۴</sup> نشسته بود، به سخنرانی دعوت شده و اظهار داشت: گناه می شود که دشمن خود به آزادی کمک می کند. چنان که رفتار سران ارتش در این مورد بهترین ملاک ماست و رفتار آنها ما را گرد هم جمع و متشکل نموده است. سپس از بازداشت آراز شمالی در گرگان که آسیاب آرد دارد و نظامیها او را حبس کرده اند و او چند روز میمانند. حائری زاده بوده، بحث نموده گفت: شمالی نه انقلابی و نه ماجراجو و نه توده چپی و نه چاقوکش بود. اما حکومت و ارتش او را حبس و آزادی را زیر پا می گذارند. بعد گفت: جواب سرتیزه را باید سرتیزه بدهد و ما که مورد تهدید و

با سرازیر شدن ژنرالهای درباری و سایر زمینخواران فارس به سرزمین تورکمن، محدودیت شدیدی علیه بازرگانان تورکمن اعمال میشود. پنبه ها جمع آوری شده مستقیماً به کارخانه های غیر تورکمنی تحویل و عدل های پنبه توسط آنان به صادر میشود. تجارت با کشورهای اروپائی و صدور قالی تورکمنی نیز از کنترل بازرگانان تورکمن خارج شد و این محدودیت تا سقوط رژیم پهلوی ادامه داشت. رژیم شاه تنها به عوامل خودی در منطقه اجازه فعالیت بازرگانی محدود را میداد. با روی کار آمدن رژیم اسلامی و مصادره اموال بازرگانان تورکمن کمر بورژوازی ملی تورکمنها شکسته شد و این پروسه تا به امروز ادامه دارد. بسیاری از کارخانجات محلی در حال فرو ریختن است و سرمایه داران ملی با ورشکستگی



روبرو گشتند. سرزمین تورکمن که زمانی انبار گندم ایران بود و طلای سفید (پنبه) و مروارید سیاه (خاویار) اش شهره عام بوده اینک به میدانی برای چپاول و غارت تبدیل گشته است. سرزمینی که روزگاری نه چندان دور به همت بازرگانانش با آخرین و مدرن ترین کالای اروپائی آشنا میشد، اینک در محاصره شدید و تنگاتنگی قرار گرفته و سیاستهای آشکار و پنهان رژیم برای نابودی بورژوازی و سرمایه داری ملی دامنای بسوی آنان نشانه گیری شده است. مسلما این سیاست در راستای نابودی بنیادهای ملی، اقتصادی و فرهنگی جامعه پیش برده میشود که نتایج مخرب آن روزبه روز عیانتر میگردد.

### د: نقش کارگران و دهقانان

رشد و شکوفائی صنعت و تجارت در سرزمین توکمن سبب ظهور قشر زحمتکشان و کارگران گردید. بویژه با احداث کارخانجات صنعتی، کارگران نیز در تشکلهای صنفی گرد آمده، در راستای کسب حقوق صنفی و دفاع از آن و نیز جلوگیری از استثمارشان توسط کارفرمایان مبارزه کردند. نخستین هسته های تجمع کارگری در سرزمین تورکمن در بندرشاه (بندرتورکمن فعلی) توسط کارگران راه آهن شکل گرفت. که اعتصابات گسترده آنان علیه ظلم دولت وقت مشهور است. بهنگام فعالیت حزب توده و تشکیل "اتحادیه های کارگری" توسط این جریان سیاسی، کارگران و زحمتکشان تورکمن اعتراضات وسیعی به گرانی نرخ نان در بندرشاه (تورکمن) براه انداختند، طوریکه استادان مازندان مجبور به آمدن به این شهر و ملاقات با تورکمنها شده و قول رفع مشکل را میدهد. پس از سرکوبی حزب توده توسط رژیم، اینبار کارگران و زحمتکشان تورکمن در اتحادیه های کارگری دوران نخست وزیری مصدق تحت عنوان "تعاونی" ها گرد آمدند. کارگران شیلات نیز برای دفاع از حقوق صنفی شان تشکیلاتی نظیر "شرکت تعاونی ماهیگران" را براه انداختند، مبارزه زحمتکشان ماهیگیر علیه اربابان دریا و مأمورین گارد شیلات بویژه در دوران سروان حامد جنایتکار و رؤسای شیلات منطقه مشهور است.



اعتصابات پراکنده کارگران کارخانه آرد شمالی و دیگر کارخانجات نیز در دوران رژیم گاهی در صفحات روزنامه های سانسور شده پیدا میشد. از آنجائی که در سرزمین تورکمن اقتصاد کشاورزی در اولویت قرار داشت، مبارزه دهقانان علیه ظلم اربابان زمین و فنودالها نیز گاهی شدت میگرفت. بویژه دهقانان اطراف آق غالا- آتا آباد، پیراوش، گوزان، و نیز روستاهای اطراف گنبدقابوس- پشمک، قیزیلجا... علیه غاصبان و سرکوبی شدید آنها توسط عوامل تیمسار مزین، دستگیری و شکنجه آنان نمودی از مبارزه زحمتکشان تورکمن در دفاع از سرزمین خویش است. مسلما این مبارزات در سیاسی شدن جامعه نقش تعیین کننده ای داشت و این امر با شروع اعتراضات همگانی علیه رژیم منفور ستمشاهی و در

اوائل انقلاب با ایجاد کانون و ستاد به نقطه اوج خود رسید. ایجاد تشکلهای انقلابی راستین نشان داد که زحمتکشان تورکمن از آنچنان بار مبارزاتی برخوردار است که بتواند نقش بسیار مهمی در تحولات جامعه ایفا کند.

### د: نقش زنان



صفحات تاریخ تورکمن مشحون از قهرمانیهای شیرزنانی است که دوشادوش مردان در راستای سعادت و خوشبختی ملت خویش مبارزه نمودند. از شاهزاده تومار گرفته تا زنان قهرمان گوک دیپه، از اوغول بخت گرفته تا گلجمال خان... از آناسلطان ککیلوا گرفته تا بایرام بی بی ملتی... که شرح مبارزاتی هر کدام از این شیر زنان مثنوی چندمن کاغذ میگردد. واقعیت اینست که زنان نیمی از جامعه را تشکیل میدهند و تنها در یک محیط دمکراتیک است که آنان جایگاه واقعی خویش را کسب می کنند. در ایران چه در دوران پهلویها و چه هم اکنون زنان از آن جایگاه والائی که شایسته شان است برخوردار نگردیدند و این تبعیض انسانی متأسفانه گریبانگیر جامعه ما نیز گشت.

در حالیکه حکومتهای حاکم بر سرنوشت ملت با تمامی ابزار سرکوب خویش در راستای نابودی هویت ملی ما عمل میکنند، باز این مادران ما بود که در حفظ آداب و سنن و از آنجمله زبان ملی مان کوشیدند و میکوشند. بی جهت نیست که به زبان ملی، زبان مادری نیز گفته میشود.



ما درباره نقش مبارزاتی زنان در سالهای اختناق ستمشاهی اطلاعات جسته و گریخته ای بیش نداریم. می دانیم که زنان تورکمن دوشادوش مردان در برابر یورش وحشیانه زمینخواران ایستادگی کردند که منجر به زخمی شدن و حتی سقط جنین کودکانشان گردید (رجوع شود به کتاب مسئله زمین در صحرای ترکمن- منصور گرگانی 1358)

با شروع قیام ملل ایران علیه دیکتاتوری محمدرضاشاهی و بنیانگذاری کانون و ستاد مرکزی شوراها باز این زنان مبارز ما بودند که در تمامی تظاهرات اعتراضی و یا نمایشهای شکوهمند دفاع ملی در میدان مبارزه حاضر میشدند.





و باز این زنان ما بودند که قربانی گلوله های جانیانی شدند که در سال 1358 گنبدقاپوس را غرق در خون ساختند. از میان این شیرزنان بایرام بی بی ملتی و صفرگل خالدزاده (همراه با کودک شش ماهه اش) شهید گشتند. کانون هنری و فولکلوریک سرشار از نغمه ها و سرودها و لاله های زنان و دختران تورکمن بود. فعالیت "کانون زنان" در آن دوره بسیار چشمگیر بود. به همت آنها "کانون قالیبافان" شکل گرفت. کانون زنان در جشنهایی نظیر جشن گندم نماینده خویش را برای سخنرانی می فرستاد. گرچه این فعالیتها با سرکوب وحشیانه اندکی متوقف گردید ولی هم اینک زنان و دختران بیشمار تورکمن در عرصه ادبیات می درخشند که ما برای همگی آنان آرزوی موفقیت داریم.

آقمیرات گورگنلی

مارچ 2009